

## خلاصه درس



### درس اول

#### اقسام کلمه

کلمه در زبان عربی بر سه دسته است:

۱- **فعل:** کلمه‌ای که هم معنای مستقل دارد و هم زمان را نشان می‌دهد.

۲- **اسم:** کلمه‌ای که معنای مستقل دارد.

۳- **حرف:** کلمه‌ای که نه معنای مستقل دارد و نه زمان را نشان می‌دهد.

هر کلمه (فعل، اسم، حرف) دارای ویژگی‌هایی است. در این درس با یکی از ویژگی‌های اسم که «مذکر و مؤنث» بودن است آشنا می‌شویم. همان‌طور که همه‌ی موجودات به دو گروه مرد و زن یا نر و ماده تقسیم می‌شوند؛ اسم‌ها نیز بر دو گروه «مذکر و مؤنث» هستند. برخلاف زبان فارسی، در زبان عربی، این تقسیم‌بندی بسیار جزئی و مهم است به طوری که ابتدا باید تک‌تک اشیاء، و مفاهیم، جنسیت‌شان مشخص شود و بعد برای آن‌ها فعل، صفت و... آورده شود.

#### الف) چه اسمی مذکر و چه اسمی مؤنث است؟

در زبان عربی برای اسم‌های مؤنث، نشانه‌هایی وجود دارد که از طریق این نشانه‌ها، می‌توان فهمید که آن اسم مؤنث است؛ این نشانه‌ها عبارت‌اند از:

۱- **تاء گرد (ة):** اسم‌هایی مانند: المدرسة، الكتابة، العاقلة، المعلمة و...

۲- **الف ممدود (اء):** یعنی «ا + ء»: اسم‌هایی مانند: الصحراء، الحمراء، العلياء، الرمضاء و...

۳- **الف مقصور (ى):** اسم‌هایی مانند: البشرى، السفلى، الدنيا، الفضلى و...

**پرسش مهم:** آیا اسم‌هایی مانند «الماء»، «الهواء» و «المصلى» مؤنث هستند؟!

**پاسخ مهم‌تر:** خیر! «اء» و «ا» اگر از سه حرف اصلی کلمه باشند؛ از نشانه‌های مؤنث بودن به حساب نمی‌آیند. به عبارت دیگر، «اء» و «ا» زائد، از نشانه‌های مؤنث بودن است.

الصحراء: ص، ح، ر + اء ← پس مؤنث است. الماء: م، ا، ء ← پس مؤنث نیست (مذکر است).  
سه حرف اصلی زائد      سه حرف اصلی (حرف زائد ندارد)

از یک نگاه، اسم‌های مؤنث به دو دسته‌ی «مؤنث حقیقی» و «مؤنث مجازی» تقسیم می‌شوند. مؤنث حقیقی عموماً شامل انسان و حیوان از جنس ماده می‌شود، مانند: سعیده، أم، بقرة. اما مؤنث مجازی، غیر آن است، مثل: شجرة، صحراء و... در زبان عربی، گروهی از اسم‌ها، بدون آن‌که دارای نشانه‌های مؤنث بودن باشند مؤنث به حساب می‌آیند. به این گروه، «مؤنث‌های معنوی» می‌گویند.

#### مؤنث‌های معنوی ۵ دسته هستند:

۱- اسم‌های خاص (علم) مؤنث: مریم، منى، اليزابت، کتابون و...

۲- عناوینی که تنها برای خانم‌ها به کار می‌رود: مادر (الأم)، خواهر (أخت)، دختر (بنت) و...

۳- اسم‌های شهرها، کشورها، قبایل و...: ایران، طهران، مشهد، کالیفرنیا و...

۴- اسم اغلب اعضای زوج بدن: چشم (عين)، دست (يد)، گوش (أذن)، پا (رجل) و...

۵- برخی اسم‌ها که بدون هیچ دلیلی در زبان عربی مؤنث هستند و فقط باید حفظشان کرد. أرض (زمین)، شمس (خورشید)، نار (آتش)، نفس، حرب (جنگ)، بئر (چاه) و...

۶- جمع‌های مکسر غیر انسان: المساجد، البيوت

نکته: گروهی از مردها، اسمشان در زبان عربی، لباس زنانه پوشیده است. **مانند:** معاویه، حمزة، زکریاء و... این اسم‌ها با آن‌که دارای نشانه‌های مؤنث بودن هستند ولی چون در حقیقت مذکر هستند؛ باید آن‌ها را مذکر به حساب آورد. اصطلاحاً به این اسم‌ها «مؤنث لفظی» گویند.

### پرسش چهارگزینه‌ای:

عین العبارة التي ليس فيها الإسم المؤنث:

(۱) لا تقولوا لمن يُقتل في سبيل الله أمواتاً.

(۲) يا مريم اقنتي لربك و اسجدي.

(۳) اليد العليا خير من يد السفلى.

(۴) الشهداء قناديل الأمة لأنهم ضحوا بأنفسهم ما عندهم.

**پاسخ:** گزینه‌ی «۱» در این گزینه هیچ اسم مؤنثی وجود ندارد. کلمه‌ی «اموات» جمع «موت» و مذکر است. در گزینه‌ی «۲» «مریم»، در گزینه‌ی «۳» «الید»، «العلیا»، «السفلی» و در گزینه‌ی «۴» «الأمة» مؤنث هستند.

### نکته‌های مهم:

۱- «تاء» کشیده (ت) از نشانه‌های مؤنث بودن نیست. بنابراین اسم‌هایی نظیر: موت، بیت، صوت، وقت و... مؤنث نیستند.

۲- برای تشخیص جنس اسم‌های جمع (مذکر و مؤنث) به مفرد آن‌ها توجه می‌کنیم؛ لذا «المدارس» جمع «المدرسة» و مؤنث است.

### پرسش چهارگزینه‌ای:

عین المؤنث المعنوی:

(۱) إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً.

(۲) يعيش البخيل في الدنيا عيش الفقراء و يحاسب في الآخرة حساب الأغنياء.

(۳) نحن قدمنا الجواهر الثمينة من الشبان في الحرب المفروضة.

(۴) لا تبطلوا صدقاتكم باليمن والأذى كالأذى ينفق ماله رثا الناس.

**پاسخ:** گزینه‌ی «۳»: در این گزینه کلمه‌ی «الحرب» مؤنث معنوی است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: در این گزینه، هیچ اسم مؤنثی وجود ندارد؛ کلمه‌ی «البیت» مختوم به تاء کشیده (ت) و مذکر است.

گزینه‌ی «۲»: «الدنيا» مؤنث و «الآخرة» مؤنث هستند، ولی مؤنث معنوی نیستند.

گزینه‌ی «۴»: صدقات جمع «صدقة» مؤنث است، ولی مؤنث معنوی نیست.

### (ب) مطابقت فعل و فاعل در جنس:

فعل و فاعل باید در جنس، با یکدیگر مطابقت کنند. این مطابقت، برای فاعل مؤنث در این دو حالت، واجب و الزامی است:

(۱) هرگاه فاعل، یک اسم مؤنث حقیقی باشد و کلمه‌ی دیگری میان فعل و فاعل فاصله ایجاد نکرده باشد.

مثال: نجحت التلميذة في الامتحانات بفضل مثابرتها.

فاعل (مؤنث حقیقی) و بدون فاصله از فعل ← پس فعل واجب التأنيت است.

۲) هرگاه فاعل، ضمیری باشد که به یک اسم مؤنث (حقیقی و مجازی) برمی‌گردد، یعنی مرجع ضمیرِ فاعلی، یک اسم مؤنث باشد. در غیر از این دو حالت، تأنیث فعل جایز و اختیاری است.

**مثال: الأرض** كَبِسَتْ في الشتاء لباساً أبيض. التلميذة هذا اليوم جاءت إلى المكتبة.  
مرجع ضمیر فاعل ضمیر مستتر «هی» (مؤنث معنوی)      مرجع ضمیر فاعل ضمیر مستتر «هی»  
مرجع ضمیر فاعل ضمیر مستتر «هی» (مؤنث حقیقی)

بنابراین در دو حالت، فعل باید مؤنث یا اصطلاحاً «واجب التأنیث» باشد. اما اگر یکی از شرط‌های گفته شده در جمله نباشد؛ فعل می‌تواند مذکر هم بیاید، هر چند که فاعلش مؤنث باشد.

**مثال:** نجحت في الامتحانات التلميذة بفضل مئبرتها.

در این مثال به جای فعل مؤنث «نجحت» می‌توانیم مذکر آن یعنی «نجح» را نیز به کار ببریم، زیرا شرط «پشت سرهم آمدن فعل و فاعل» رعایت نشده است و جار و مجرور «فی الامتحانات» میان فعل و فاعل، فاصله انداخته است.

### پرسش چهار گزینه‌ای:

عین الفعل لا یجب تأنیثه مع الفاعل:

- ۱) الحرب تقع بین الدول الاوروبية.
- ۲) النفس المطمئنة ترجع إلى ربها راضية.
- ۳) لا تسمع صوتاً أذنی أبدأ بعد الانفجار.
- ۴) النار اشتعلت فی بینه و تحرق کل شیء.

**پاسخ:** گزینه‌ی «۳» در این گزینه، کلمه‌ی «صوتاً» میان فعل و فاعل، فاصله انداخته است و «أذن» نیز مؤنث حقیقی نیست. بنابراین فعل می‌تواند هم به صورت مذکر و هم مؤنث بیاید.

تشریح گزینه‌های دیگر:

- گزینه‌ی «۱»: فاعل فعل «تقع» ضمیر مستتر «هی» است؛ که به اسم مؤنث «الحرب» برمی‌گردد.
- گزینه‌ی «۲»: فاعل فعل «ترجع» ضمیر مستتر «هی» است؛ که به اسم مؤنث «النفس» برمی‌گردد.
- گزینه‌ی «۴»: فاعل فعل «اشتعلت» ضمیر مستتر «هی» است؛ که به اسم مؤنث «النار» برمی‌گردد.

### ج) اسم از نظر تعداد:

اسم به سه صورت جمع بسته می‌شود: ۱- جمع مذکر سالم ۲- جمع مؤنث سالم ۳- جمع مکسر

**جمع مذکر سالم:** اسم مذکر با «ون» (در حالت رفع) و «ین» (در حالت نصب و جر) جمع بسته می‌شود. مانند: المعلمون، المعلمین

**نکته:** فقط اسم‌های علم مذکر و صفت‌هایشان جمع سالم بسته می‌شوند. مانند: محمد، عالم و...

**جمع مؤنث سالم:** اسم مؤنث با «ات» جمع بسته می‌شود، مانند: المعلمات، الاطلاعات

**نکته:** مصدرهایی که بیش از سه حرف داشته باشند، مانند: الاتّحاد، التّوجه، الجریان، الامتحان و...

و یا غیرعربی باشند مانند: تلفیون، تلفزیون، ریال، ... نیز با «ات» جمع بسته می‌شوند.

**جمع مکسر:** قاعده‌ی خاصی برای این نوع جمع وجود ندارد و وزن‌های بسیاری برای آن موجود است. مانند:

أفعال ← انصار (مفرد: نصر)      أفعلاء ← أنبیاء (مفرد: نبی)

فِعال ← جبال (مفرد: جبل)      فُعلاء ← بُخلاء (مفرد: بخیل)

کنکورهای سراسری داخل و خارج کشور

(خارج از کشور ۹۴)

۱. عین ما فيه تأنيث الفعل واجب:
- (۱) دخلت في الصفّ هذه التلميذة متأخرة!
- (۲) قالت لي المعلمة: لماذا تأخرت في الحضور!
- (۳) تستقبل مكة الحجاج في شهر ذي الحجة!
- (۴) كانت يد الفلاح قد تعبت من العمل الكثير!

(سراسری ۹۴)

۲. عین ما فيه تأنيث الفعل واجب:
- (۱) تحضر هذه التلميذة كل يوم في صفها!
- (۲) تحاول لتربيتنا أمهاتنا طول العمر!
- (۳) تعبت يدا هذا الفلاح بسبب العمل الكثير!
- (۴) استيقظت من النوم أختي لصلاة الصبح!

(خارج از کشور ۹۳)

۳. عین الفعل يجب تأنيثه:
- (۱) اشتعلت النار ثم وصلت إلى انتهاء البناء!
- (۲) انتشرت الحضارة الإسلامية بقوة العقيدة في البلاد!
- (۳) بكت عيناه اشتياقاً لزيارة الأصدقاء الأقدمين!
- (۴) بدأت الحرب المفروضة ضدّ بلدنا الإسلامي قبل سنين!

(سراسری ۹۳)

۴. عین فعلاً تأنيثه جائز:
- (۱) رائحة ورد الياسمن تفوح في الحديقة صباح كل يوم!
- (۲) تقوى الطالبات القيم الأخلاقية بعملهن لا بأقوالهن!
- (۳) المعلمة الحنون تربي تلميذات بلادها على الفضائل الإنسانية القيمة.
- (۴) صباح اليوم حضرت في المدرسة الطالبات المجتهديات إلا اثنتين منهن!

(سراسری ۹۱)

۵. عین الفعل يجب تأنيثه:
- (۱) دارنا تقع في هذا الشارع القريب!
- (۲) انتصرت الثورة الإسلامية بنصر من الله!
- (۳) خلقت النجوم و هي مصابيح السماء!
- (۴) تطلع شمسنا الجميلة كل صباح من المشرق!

(خارج از کشور ۹۱)

۶. عین تأنيث الفعل ليس واجباً:
- (۱) تمضى أيامنا بسرعة في هذه الدنيا!
- (۲) النفس المطمئنة ترجع إلى ربها مرضية!
- (۳) تعتصم المؤمنات بحبل الله تعالى!
- (۴) الأرض تصبح مخضرة في فصل الربيع!

(سراسری ۸۶)

۷. عین الخطأ:
- (۱) طلع الشمس و أنارت الأرض.
- (۲) الأرض يلبس لباس الأخضر في الربيع.
- (۳) جاء اليوم هذه الطالبة إلى المكتبة.
- (۴) نار الإختلاف اشتعلت بين المسلمين.

(سراسری ۷۷)

۸. أىّ العبارات فيها اسم مثنى؟
- (۱) أحبّ العالمين و هم يعملون من أجل تقدّم البلاد.
- (۲) استقبل الزائرين الذين جاؤوا من مكة المكرمة.
- (۳) إن الصادقين ناجحون في الحياة.
- (۴) رأيت المسافرتين و هما جالستان في غرفة الإنتظار.

آزمون‌های كانون و ساير

(آزاد ٨٢)

٩. أیّ عبارة لا تشتمل على الجمع المكسر؟

- ١) وقد أتبت التجارب أن كل مائة غرام من العسل تُعطى ثلاث مائة سرعة حرارية.
- ٢) العسل لا يفسد الاسنان على خلاف السكريات الأخرى.
- ٣) للسعل عدّة خواص أخرى جعلته أفضل السكريات.
- ٤) هذه المادة تقدّم لعضلات الجسم طاقة و نشاطاً قوياً.

(آزاد ٧٨)

١٠. أیّ جمع، مفرده خطأ؟

- ١) الزُملاء - الزميل
- ٢) الحوادث - الحدت
- ٣) الشُبَّان - الشابُّ
- ٤) المكاتب - المكتب

(آزاد ٧٧)

١١. عین الخطأ:

- ١) اخلاق المؤمن حميدة.
- ٢) أرضنا مطهرة بدماء شهدائنا.
- ٣) بناتنا مدافعون عن قيم شعبنا.
- ٤) عيوننا ضعيفة بسبب فقدان الضوء.

(كانون ٩٣)

١٢. عین الخطأ في أنواع المؤنث:

- ١) أرض - صحراء - مُدُن - بئر: «مؤنث مجازي»
- ٢) شمس - زينب - نفس - عين: «مؤنث معنوي»
- ٣) حرب - ریح - أصفهان - نار: «مؤنث معنوي»
- ٤) ثورة - طلحة - شجرة - زكريا: «مؤنث لفظي»

(كانون ٩٣)

١٣. عین ما يدل على مؤنث و ليس فيه علامة التأنيث:

- ١) فلا تضجّر إذا غلظت عليك شوكة حادة في الصحراء.
- ٢) فهل لنا أن نتصل بالقرآن صلة حقيقية تطهر نفوسنا من الرجس؟
- ٣) لهم البشرى في حياتهم لأن كلمات الله أفضل الكلمات.
- ٤) يقرأ بعضهم حول حياة طلحة بن عبيدالله و قصة إسلامه.

(كانون ٩٣)

١٤. عین المؤنث المعنوي مرفوعاً:

- ١) إنكسرت رجل اللّاعب في مسابقة كرة القدم.
- ٢) يعلم الله ما في السماوات و ما في الأرض و ما في أنفسهم.
- ٣) سل عن الجار قبل الدار و عن الرفيق قبل الطريق.
- ٤) يجعلون اصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت.

(كانون ٩١)

١٥. عین العبارة التي ما جاء فيها اسم مؤنث:

- ١) مادام باب العين مغلقاً بالعضّ فالقلب سليم من الآفة.
- ٢) الطلبة النشيطون يحاولون كثيراً في دروسهم.
- ٣) للإسلام قواعد للحرب في مجال نشر الدين الإلهي.
- ٤) اشتريت الأتواب الحمراء من السوق.

(كانون ٩٣)

١٦. عین المؤنث المعنوي منصوباً:

- ١) يا أيّها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك راضية مرضية.
- ٢) لا تظنّوا الرجل الذي يصغى إليكم متبسماً صغير النفس.
- ٣) الرجل المتواضع هو الذي لا يصغر نفسه و لا يسقط همته.
- ٤) النار اشتعلت فأسرع رجال إطفاء الحريق.

(كانون ٩١)

١٧. عین المؤنث المعنوي مجروراً:

- ١) فقد يقال عثار الرجل إن عثرت.
- ٢) «و لا تجعل يدك مغلولة إلى عنقك.»
- ٣) «أيّها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك»
- ٤) النار اشتعلت فأسرع رجال إطفاء الحريق.

(كانون ٩٣)

١٨. عيّن الصّحيح في مطابقة الفعل مع فاعله في التّذكير و التّأنيث:

- (١) لم تنفع امرأة نوح و امرأة لوط قريهما من النّبئين.  
 (٢) من لم تُصلحه الكرامة أصلحه الهوان.  
 (٣) قلوب الكفّار كالحجارة لا يرقُّ.  
 (٤) الأسماء ينقسم إلى المعرب و المبنى.

(كانون ٩٣)

١٩. عيّن الخطأ:

- (١) دار أحد الفقراء احترق فأسرع كثير من الناس لإطفاء الحريق.  
 (٢) طلع الشّمس من المشرق فأشرقت قسماً عظيماً من العالم.  
 (٣) حمزة ساعد صديقه في الدّروس و فرح من نجاحه فيها.  
 (٤) عندما تنزع روح الإنسان من جسمه فهو يتحسّر على ما فاته في الحياة.

(كانون ٩١)

٢٠. عيّن الفعل يجب تأنيثه:

- (١) أشرقّت الشمس في وسط السماء و هي تحرق كلّ شيء.  
 (٢) كان في اللّيل الصحراء باردة جداً و تعصف الريح بشدّة.  
 (٣) تصبح بعد محاولاتك نفسك مهذّبة فتحاول كثيراً.  
 (٤) خلّقت النجوم الجميلة و هي مصابيح السماء في اللّيل.

(كانون ٩١)

٢١. عيّن الفعل الّذى لا يجب تأنيثه:

- (١) شمس الحقيقة سوف تثير الأرض.  
 (٢) دار بشر تضجّ بأصوات الشيطان الرجيم.  
 (٣) تطمئنّ نفس التلميذة النشيطة عند أداء إمتحاناتها.  
 (٤) تدخل النعامة رأسها تحت الرّمال عند الخطر.

(كانون ٩١)

٢٢. عيّن الخطأ حول مطابقة الفعل مع فاعله المؤنث:

- (١) ذهبتُ إلى الصّفّ و لم تذهب معلّمتي.  
 (٢) يد الطفل كاد تيبس من شدّة البرد.  
 (٣) يخبزن الدّهن في السنام سفينة الصحراء.  
 (٤) اشتعل النّار فخفتُ كثيراً من شعلتها.

(كانون ٩٣)

٢٣. عيّن فعلاً يجب تأنيثه مع فاعله:

- (١) ذكّرت الأسماء المؤنّثة في هذه العبارة.  
 (٢) مريم لرّبها تقننت و له تسجد.  
 (٣) تحركت قدامى إلى الحيّة و ما خفت منها.  
 (٤) تدمّر الحرب ما تصنعه حضارة الإنسان.

(كانون ٩١)

٢٤. عيّن ما لا يجوز فيه تأنيث الفعل مع فاعله:

- (١) إرتفعت أحجار الرّحام فوقها.  
 (٢) تقدّست نفسه الزكيّة.  
 (٣) تجىء الأفعال الناقصة مع إسمها و خبرها.  
 (٤) هدىّ أسرعت إلى المدرسة.

(كانون ٩١)

٢٥. عيّن الفعل يجب تأنيثه مع فاعله:

- (١) قد تجىء معنا ليلى إلى الجبل أيام العطلة.  
 (٢) رجل هذا اللّاعب إنكسرت في مباراة كرة السّلة.  
 (٣) تحلو الفواكه في فصل الصّيف و نأكل منها.  
 (٤) تدرك نفس الإنسان الخير و الشرّ.

(كانون ٩١)

٢٦. عيّن الفعل لا يجب تأنيثه:

- (١) صحراء نحن فيها كانت رمضاء.  
 (٢) سفينة الصحراء عند حاجتها تخبزن الدّهن.  
 (٣) كانت بشرى تذهب إلى الصحراء.  
 (٤) تفتّحت في الصحراء الورود الحمراء.

(كانون ٩١)

٢٧. عيّن الفعل الّذى يجب تأنيثه مع الفاعل:

- (١) تقام كلّ سنة حفلة في جامعتنا.  
 (٢) أشرقّت في وسط السماء الشمس.  
 (٣) كان أسامة يذهب إلى بيت جدّته.  
 (٤) الحرب تهدم البلاد بهدف الإحتلال و السّلب.

(كانون ٩٢)

٢٨. عيّن الخطأ في تأنيث الفعل مع الفاعل و الضمير مع مرجعه:

- (١) عمارة أحببت سودة بنتها كثيراً.
- (٢) الشمس اليوم تحرق الأبدان في الصحراء.
- (٣) النفس ترجع إلى ربها راضية مرضية.
- (٤) سودة دافعت عن عقيدتها و استشهدت في سبيلها.

(كانون ٩٣)

٢٩. عيّن الفعل يجب تأنيثه مع فاعله:

- (١) لبست الأرض في الربيع لباساً أخضر.
- (٢) قد تفقد الحياة أم بسبب غرق ولدها.
- (٣) سقط أغصان الأشجار بالنلوج.
- (٤) تقبل الفأرة إلى القطّة دون خوف.

(كانون ٩٤)

٣٠. عيّن الفعل يجب تأنيثه مع فاعله:

- (١) في الصيغ المفردة للأفعال المجزومة المضاعفة يجوز وجهان!
- (٢) هناك على اطراف القرية عجوز لم تبق لها حوادث الدهر إلّا أربع نعاج!
- (٣) أوصيكما بتقوى الله و آلا تبغيا الدنيا و إن بغتكما!
- (٤) أدركت كنهها طيور الروابي / فمن العار أن تظلّ جهولاً!

(كانون ٩٥)

٣١. عيّن ما ليس فيه جمع التذكير:

- (١) و لا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله أمواتاً.
- (٢) ذهب الطلبة إلى المدرسة في الصباح الباكر.
- (٣) سمعت اصوات جميلة في الحديقة و تلك صوت البلب.
- (٤) و لا تكوننّ عليهم سبعا ضارياً تغتتم أكلهم.

(كانون ٩٦)

٣٢. عيّن ما ليس فيه الجمع السالم للمذكّر:

- (١) الصادقون يسعون إلى طلب رزقهم بجهد و أمانة.
- (٢) من يظلمون على المساكين لعلهم كانوا إخوان الشياطين.
- (٣) أنما يستدلّ على الصالحين بما يجرى الله لهم على ألسن عباده.
- (٤) وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنّات تجري من تحتها الأنهار.

(كانون ٩٧)

٣٣. عيّن جمع التذكير إعرابه بالكسرة:

- (١) و زيننا السماء الدنيا بمصابيح.
- (٢) لفاطمة فضائل لانجدها في الآخرين.
- (٣) يُصلّى في مساجد طهران مُصلّون كثيرون.
- (٤) و أرسلنا الأنبياء مبشّرين و منذرين.

(كانون ٩٨)

٣٤. في أيّ عبارة ما جاء الجمع السالم للمذكّر:

- (١) كان الرجال طالبى التقدّم في جميع الأمور.
- (٢) ليت المساكين ما كانوا في هذه البلاد العظيمة.
- (٣) نشاهد عاملى المصنع في شوارع طهران يهتفون ضدّ الظلم.
- (٤) كان المؤمنون قد أفلحوا في الدنيا و الآخرة.

(كانون ٩٩)

٣٥. كم جمع تكسير في العبارة التالية؟

«نجد في كتب علماءنا آراء و نظريات لانشاهدها في مؤلّفات الأروبيين المعاصرين.»

- (١) واحد
- (٢) اثنان
- (٣) ثلاثة
- (٤) أربعة

(كائون ٨٩)

٣٦. عَيْنُ الخَطَأِ للفراغات:

- (١) ... على نعمتينِ التلميذة النشيطة. (حصل أو حصلت)
- (٢) بفضل اتحاد الجماهير ... الثورة الاسلاميّة. (إنتصر أو إنتصرت)
- (٣) من لم ... الكرامة أصلحه الهوان. (يصلحه أو تصلحه)
- (٤) ... الإمراة المسلمة عن دينها. (يدافع أو تدافع)

(كائون ٩٠)

٣٧. عَيْنَ العبارة التي تشتمل على ثلاثة جموع مكسرة:

- (١) أعلام الإناث مثل مريم و منى.
- (٢) الأسماء المختصة بالإناث مثل أم و بنت.
- (٣) بعض الكلمات السماعيّة مثل أرض و شمس.
- (٤) يكون المؤنث معنوياً في المواضع التالية.

(كائون ٩٠)

٣٨. أيّ عبارة لا تشتمل على جمع التّكسير؟

- (١) إن الإسلام عدّ العلماء من المجاهدين في سبيل الله.
- (٢) للبحار فوائد كثيرة في هذه الطّبيعة الجميلة.
- (٣) عند القتال يهاجم المسلمون الكافرين مهاجمة.
- (٤) لاتنس الدّار الآخرة و محاسبة الأعمال.

(كائون ٩١)

٣٩. عَيْنَ العبارة التي ماجاء فيها الإسم المؤنث:

- (١) اليد العليا خير من اليد السفلى.
- (٢) بعد البلاء يكون الثناء فإنما المؤمنون إخوة.
- (٣) شعب إيران يدافع عن المظلومين.
- (٤) حمزة أستشهد في الحرب.

(كائون ٩١)

٤٠. عَيْنَ الفعل الذي يجب تأنيته:

- (١) تُستخدم الأمثال إحترازاً من الإطناب.
- (٢) سُميت إحدى سور القرآن بسورة لقمان.
- (٣) كانت الدّار تضجّ بأصوات الشّيطان.
- (٤) تطمئنّ نفس التلميذة السّاعية عند كلّ امتحان.

(سجش ٩٣)

٤١. عَيْنَ الخَطَأِ (في مطابقة الفعل مع الفاعل):

- (١) سيسافر الأسبوع الآتي هذه التلميذة إلى سفرة علميّة!
- (٢) المعلّمة أوصت تلميذاتها بالصّلاة و الزكاة طول الحياة!
- (٣) الحرب انتهى بعد انسحاب قوّات العدو و طردها من البلاد!
- (٤) حينما كنت في الشارع صدمني سيّارة كانت مسرعةً، فوقعت على الأرض!

(سجش ٩٣)

٤٢. عَيْنَ الاسماء التي تجمع جمعاً سالماً للمؤنث كلّها:

- (١) أم - إضاعة - تبذير
- (٢) بيت - بخل - هزيمة
- (٣) فتح - تليفون - طاهرة
- (٤) هداية - مسلمة - عمل

(سجش ٩٣)

٤٣. عَيْنَ الخَطَأِ عن جمع الأسماء:

- (١) كثر: كثرات / شرّ: شرر / تقسيم: أقسام / ريال: ريالات
- (٢) مدرسة: مدارس / تلقى: تلقّيات / كبير: كبار / أمانة: أمانات
- (٣) تلفزيون: تلفزيونات / ناصر: ناصرون / سبيل: سبيل / جهد: جهود
- (٤) محمّد: محمّدون / مستضعف: مستضعفين / رأس: رؤوس / مسكين: مساكين

(سجش ٩٣)

٤٤. عَيْنَ المؤنث اللَّفْظِي:

- (١) تُنور الشّمس أرضنا في كلّ نهار!
- (٢) تعمل أمّ مريم و زينب خارج البيت!
- (٣) اليد و العين من أهمّ أعضاء جسم الإنسان!
- (٤) طلحة و حمزة هما صديقان وقيان!